پیامد های پیوستن ایران به شبکه جهانی اینترنت

محمدرضا زمردی

واقعیت اجتماعی، موضوعی پیچیده و تودرتوست که به واسطه مؤلفه های خرد، میانه و کلان بی شمار و از رهگذر فرایندها و روندهای متداخل و متعامل، به منصه ظهور می رسد. علم جامعه شناسی با اتکا به مبادی بینشی - روشی و مبانی نظری خود، توصیف، توضیح و تبیین انواع مسائل اجتماعی را در دستور کار قرار می دهد. به نظر می رسد که جهانشمول نبودن مسائل و تغییرپذیری آنها بر حسب بافت و بستره های خاص جوامع، جامعه شناسی را به رغم دارا بودن بسیاری از ویژگی های عام و مشترک، در هر جامعه به خصوص از کیفیتی منحصر به فرد و مختص متن و زمینه خاص اجتماعی برخوردار سازد، لذا آشنایی کامل و عمیق تحلیل گر اجتماعی با فرهنگ جامعه مورد مطالعه و وجوه فرهنگی - اجتماعی تعین و تاریخیت یافته متن و زمینه مزبور از لوازم و شرایط تحلیل های جامعه شناختی است. از جمله ویژگی های برخی از رویکردهای جامعه شناختی این است که آنها می توانند درک و دریافتی از هستی اجتماعی را (براساس نظریه ها) به دست دهند که کنشگران اجتماعی درگیر در پدیده مورد تحلیل چنین معنایی را از کنش خود درنیافته و بدان نسبت ندهند و حتی در پاره ای مواقع در برابر تلقی های مزبور موضع گرفته و ایستادگی کنند. نوشتار حاضر نیز احتمالاً از این مشخصه عاری نخواهد بود.

از زمان پیوستن ایران به شبکه جهانی اینترنت و پیامدهای ناشی از آن چندسالی می گذرد. بدیهی است که چگونگی مواجهه کاربران ایرانی اینترنت با این پدیده از وضعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی خاصی نشأت گرفته که مختص همین زیست بوم و سپهر فرهنگی است. برای نمونه، استقبال چشمگیر جوانان ایرانی از چت (گپ) اینترنتی بسیار تأمل برانگیز است. یکی از نقش هایی که اینترنت در سطحی گسترده در ایران ایفا کرده عبارت است از اشاعه فزاینده و رو به گسترش فعالیت شرکت هایی نظیر گلدکوئیست، گلد ماینند، ایبی بی ال و نظایر این ها. نکته جالب توجه این که در عرصه عمومی عمدتاً از قانونی بودن یا نبودن این قبیل فعالیت ها سخن به میان می آید و از ژرف کاوی های نقادانه در این زمینه چندان نمی توان در گفت وگوی عمومی سراغ گرفت. (بگذریم از این که این واقعیت از منکی و مبتنی نبودن نظام حقوقی جامعه بر یافته های موثق علمی - پژوهشی حکایت می کند.) البته در این مجال مختصر، نگارنده به دنبال شرح و بسط کاملی از موضوع نبوده بلکه بیشتر در پی طرح مسأله و گشودن باب نقد و مباحثه به منظور روشن شدن ابعاد آن می باشد که به همت صاحبنظران و تحلیلگران باید تحقق پذیرد.

به نظر می رسد که تصور بسیاری از اعضای جامعه ما از کار و شغل عبارت است از فعالیتی که به منظور کسب درآمد و تأمین نیازهای زندگی روزانه صورت می گیرد. هم از این روست که بسیاری از افرادی که از طریق شرکت های تجاری الکترونیکی بر مزایایی مطمئن و مکفی دست یافته اند کار خود را به سهولت رها می کنند. شاید تنبلی خاص ایرانی و بدل نشدن کار و تلاش به ارزشی اجتماعی که در تناسب و تلازم تام با نهادینه نشدن تولید سازمان جامعه است در این گونه واکنش ها دخیل باشند. یعنی در فقدان سازمان عقلانی کار در جامعه (که خود ناشی از علل و عوامل متنوعی است) و ناپایدار و نامطلوب بودن وضعیتهای شغلی، چنین اقداماتی بهتر و بیشتر نضج می گیرند. غیر از مشکلات و نارضایتی های گسترده ای که میان شاغلان رسمی وجود دارد، شیوه های غیررسمی کسب درآمد در ایران نیز بسیار اشاعه یافته اند. واقعیت این است که

> از آن جایی که ساخت قدرت متمرکز در ایران از تن دادن به تحدید، توزیع و تکثر، گریزان است، شیوه های متعدد و متنوعی را برای بازیگری شهروندان در حوزه عمومی به رسمیت نمی شناسد

بسیاری از شبه کارهای رایج در جامعه هیچ گونه تعلق خاطری را در افراد شاغل در آن صور کاذب ایجاد نمی کند و تزلزل حاکم بر آنها چنان است که افراد حاضرند در عضویت شرکتی درآیند که (به جز مواد روزانه (که گویا دغدغه بسیاری از هموطنان ماست). به هر روی، فقدان هویت حرفه ای در ایران (که با مغشوش در حالی است که ما در کار و یا کار به خلق و بازخلق خود مشغولیم (یا باید باشیم.) کار شکوفا کننده انسانیت انسان و از راه های تحقق خویشتن است. نه صرفاً راهی برای تأمین نیازهای نازل زندگی و مصالحی که ارزشی نمادین دارند) در اغلب موارد تولیدگر هیچ هستند، یعنی نه تولید کالا، نه خدمت و نه دانش. این بودن نظام طبقاتی و اقتصاد نفتی - فلاحتی تولید ستیز در رابطه است) در چنین برهه ها و هنگامه هایی خود را بهتر از پیش به رخ می کشد. شایان ذکر است که در صورت برآورده نشدن نیازهای اساسی، نمی توان از مردم انتظار داشت که دولایس خروج سرمایه از کشور باشند. با رها کردن قشر آسیب پذیر با انواع مشکلات (و عدم تلاش برای حل نظام مند، علمی، اندیشیده، واقع گرا، غیرفرمایشی و غیر شعاری آن مشکلات) این توقع که مردم همواره چونان شهروندانی مسؤول بیندیشند و عمل کنند و در هر گزینش خرد و کلان خودمنافع و مصلحت های کشور و منویات نظام متمرکز قدرت ملی را لحاظ کنند؛ بسیار گزاف و نامعقول است.

نکته دیگری که قابل توجه می نماید این است که به همراه فرسایش هویت های دینی سنتی و کمرنگ شدن و رو به افول رفتن مدل رسمی از دیانت میان بخشی از اعضای جامعه (وضعیتی که در آن دین دیگر منبع اصلی کسب معنی در زندگی نبوده و در کوچک ترین تصمیم گیری های فرد حضور و نقشی پررنگ ندارد)، گویی نظام اجتماعی هنوز نتوانسته است اهداف والا و هدایتگر بدیعی را برای درونی سازی، در معرض اعضایش قرار دهد (این سخن درباره همگان و به یک نسبت البته صادق نیست). در واقع این یکی از ویژگی های جامعه در حال گذار نیمه سنتی نیمه مدرن ایران است که ارزش های جدید اجتماعی در آن پابه پای تحولات وجودی - واقعی جهان متعین بیرونی پیش نرفته اند و البته اجزای این هستی اجتماعی نیز الزاماً رشد و تکوینی متناسب را از سر نگذرانده اند. جای دارد که نخبگان عرصه نظر و عمل اعتنای بیشتری به این مسائل داشته باشند.

از آن جایی که ساخت قدرت متمرکز در ایران از تن دادن به تحدید، توزیع و تکثر، گریزان است، شیوه های متعدد و متنوعی را برای بازیگری شهروندان در حوزه عمومی به رسمیت نمی شناسد. در ضمن به نظر می رسد که دستیابی به اهداف معقول با روش متعادل و منطقی به راحتی برای آحاد جامعه قابل حصول نیست. در چنین متن و زمینه ای افراد هر فرصتی را برای دور زدن قدرت مزبور

> از زمان پیوستن ایران به شبکه جهانی اینترنت و پیامدهای ناشی از آن چندسالی می گذرد. بدیهی است که چگونگی مواجهه کاربران ایرانی اینترنت با این پدیده از وضعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی خاصی نشأت گرفته که مختص همین زیست بوم و سپهر فرهنگی است.

مغتنم می شمرند. البته چنین اقداماتی عمدتاً از شیوه های غیرروشنفکرانه، دلبخواهی، ابداعی و در سطحی ناخودآگاه (یا نیمه آگاه) به وقوع می پیوندند. اگر گرایش مزبور را در کنار عدم قانونمندی و اشاعه روحیه دیرینه قانون گریزی قرار دهید، آشفته بازار جامعه ایران بهتر از پرده برون خواهد آمد.

یعنی در بیشتر موارد و مواقع اگر اطمینان داشته باشیم با قدرت قانون روبرو نخواهیم شد، احتمال رفتن به سوی تخریب بسیار بیشتر از حرکت به سمت سازندگی خواهد بود و این ها همه نابسامانی های متعدد موجود را تشدید و باز تولید می کند. به نظر می رسد که در صورتی که نظام قدرت ملی خواست ها و نیازهای واقعی جامعه یا بخش بزرگی از آن را نمایندگی نکند، آنها جدای از هم و به طور موازی تداوم خواهند یافت و نتیجه عبارت از چندشخصیتی شدن افراد (در سطح خرد) و انواع اتلاف ها و ناکارایی های ساختاری (در سطح کلان) است.

واقعیت این است که رشد کمی و کیفی تشکل های غیردولتی و عضویت افراد در حلقه های اجتماعی گوناگون از ملزومات اجتناب ناپذیر زیستن (فعالانه) در عصر اطلاعات و جهانی شدن است. اگر این گونه نهادها به خوبی رشد نکنند و فردیت (از رهگذر مشارکت فعالانه در آنها) حدود و ثغور معین و محترمی نیابد، روی آوردن به روابط غیرشخصی و توأم با گمنامی (که در اجتماع تحقق پذیر نیست) هر چه قدر که مخرب و مذموم باشد، حتمی الوقوع خواهد بود. تعلق داشتن به مجموعه ای که فرد را فقط با یک شماره می شناسد و به جز رعایت ضوابط سهل، توقع چندانی از فرد ندارد برای خلاص شدن از انواع نظارت های فرهنگی- سیاسی بسیار وسوسه کننده است.

نفس دور هم جمع شدن آدمیان از این طریق هم قابل تأمل است، شیوه ای جدید برای دوست یابی و منبعی نو برای بر ساختن هویت که بار دیگر امکان نادیده گرفتن ساختاری را به فرد می دهد که بارها و بارها فرد را نادیده گرفته است. می توان گفت که پیچیدگی پویش های جامعه امروزین ایران، به دقت نظرهای موشکافانه بسیاری حاجت دارد، در غیر این صورت یا جاماندن از تحلیل تحولات فزاینده درکی نزدیک به واقع نیز ممکن نخواهد بود.

در خاتمه خاطرنشان می شود که اگر برنامه ریزان، سیاستگذاران و مسؤولان بدون شناخت کامل و کافی از واقعیت ها، نیازها و اولویت های جامعه و با پندارهایی انتزاعی - متافیزیکی از واقعیت به پیش روند، راه برون رفت از بن بست ها و بحران هایی که دست به گریبانمان است بسیار بعید و بیرون از دسترس می نماید.

آلودگی صوتی در جوامع شهری

توسعه روزافزون جوامع بشری و استفاده فزاینده از منابع موجود در کره ارض مشکلاتی برای انسان خاکی به وجود آورده است. از جمله با رانهای اسیدی، انهدام لایه های اوزون، آلودگی های ناشی از آب و هوا و از همه مهمتر سروصدا که به عنوان یک آلودگی در محیط زیست انسان آثار نامطلوب روانی و به تبع آن جسمانی برای او پدید می آورد.

سروصدای ناشی از عبور وسایل نقلیه، همچون آلودگی هوا از متداول ترین منابع آلودگی صدا در جوامع شهری است. تردد اینگونه وسایل در خیابانها و بزرگراهها بر مردمی که در این نواحی زندگی می کنند، اثرات روانی نامطلوبی می گذارد.

رشد و توسعه واحدهای صنعتی و مراکز تجاری خود عامل دیگری است که انسان را در معرض سروصداهای ناخواسته قرار می دهد. سروصدای ایجاد شده در محیط داخلی کارخانجات صنعتی و تولیدی نظیر کارخانجات نساجی و دهها مورد نظیر آن از جمله منابع مولد سروصدا هستند که بر محیط انسان اثرات سوء خواهند داشت.

آثار سوء سروصدا بر انسان به درستی روشن نیست، ممکن است یک موسیقی ملایم برای کسی که می خواهد درباره موضوعی فکر کند، مانند سروصدای یک پتک سنگین کوبنده بر آهن باشد و در مقابل صدای چرخش آسیاب که وسیله معاش آسیابان است، برای او آرام بخش و خواب آور بوده و تنها زمانی وی را از خواب بازمی دارد که صدای آسیاب خاموش شود.

به همین دلیل آثار سروصدا بر انسان بر حسب شخص، موقعیت، زمان و حالات روانی فرد متناوب بوده و شناخت روشنی در مکانیزم آن وجود ندارد. لکن آنچه مسلم است محیط پرسروصدا موجب کم شدن و بی دقتی در فعالیتهای مغزی، ناهماهنگی در کارهای فکری، اختلال در مکالمه و تفهیم مطالب می شود. در چنین محیطی از قدرت فراگیری کاسته و بر تعداد اشتباه ها، در کارهای فکری افزوده می شود.

در اثر صدای ناگهانی و بلند که موجب دلهره و ترس می شود، فشارخون بخصوص فشار داخلی جمجمه بالا می رود، ترشحات بزاق کم و دهان خشک می شود، ترشحات معدوی پایین می آید و معده از انقباضات دردناک رنج می برد.

در ده سوره قرآن کریم به آثار ناشی از صداهای بلند و ناگهانی بر انسان که به «صوراسرافیل» تعبیر شده اند، اشاره شده است. از جمله سوره های الحاقه، نبا، زمر، یاسین، نمل، مؤمنون، طه، کهف و انعام به عنوان نمونه در سوره نمل آمده است:

آن روز هر که در زمین است، جز آن را که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند...

سروصدا می تواند با فشار فیزیولوژیکی خود بیماریها را تشدید کند. بدن انسان در برابر سروصدا، فعالیت خود را تغییر می دهد، یعنی واکنش تطبیقی و جبران کننده ای نشان می دهد که بتواند با وجود فشار صدا عمل طبیعی خود را انجام دهد. این واکنش با وجود آنکه جهت نگهداشتن فعالیت طبیعی بدن ضروری است، ممکن است تغییرات فیزیولوژیکی مهمی را ایجاد کند که گاه باعث نقص فعالیت طبیعی بدن شود.

سروصدای زیاد باعث افزایش جرایم جنحه در شهرهای بزرگ می شود. در میدان جنگ هنگامی که سروصدای تیراندازی و انفجار بمب ها و خمپاره ها شدید می شوند، سربازان حالت عادی خود را از دست می دهند. آثار ناشی از این صداها تا مدتها می تواند به صورت عاملی روانی موجب آزار و بیماری این افراد باشد.

زمانی که سروصدا از ۵۰ هرتز افزایش یابد، در عمق و مداومت خواب تأثیر می گذارد و قدرت انسان برای پیگیری افکارش تقلیل می یابد.

اثرات دیگر سروصدا بر بدن

سروصدا ممکن است یکی از عوامل ایجاد زخم معده باشد، بعضی از دانشمندان معتقدند ورم روده، فشارخون، سرطان و سردرد میگرن ناراحتی هایی هستند که احتمالاً با سروصدا ارتباط نزدیک دارد. فشار ناشی از سروصدا می تواند این عوارض را تشدید کند. ضمن اینکه سروصدا باعث بالا رفتن فشار داخلی عروق مغز و شدید شدن حرکات قلب و تنفس می شود. انقباض عضلانی به وجود می آورد و عمل طبیعی هضم را مختل و در سیستم گوارش اختلال ایجاد می کند و اثرات بارزی روی اعصاب سمپاتیک دارد که نتیجه آن نقصان فعالیت مثانه و جریان بزاق و ترشحات معدی می شود.

به طور کلی صرف نظر از اثرات روانی سروصدا، قرار گرفتن در معرض سروصداهایی با شدت ۱۲۰ دسی بل ممکن است باعث ایجاد عوارض زیر در انسان شود:

- افزایش تعداد ضربان قلب، افزایش تنفس و بالا رفتن مصرف اکسیژن، بالا رفتن فشارخون.
- قرار گرفتن در معرض صداهایی با شدت بیش از ۱۵۰ دسی بل و فرکانس یا بسامد کمتر از ۲۰۰۰ ارتعاش در ثانیه و بویژه صداهایی با بسامد حدود ۷۰۰ تا ۱۵۰۰ ارتعاش در ثانیه ممکن است باعث ایجاد عوارض زیر در انسان شود:
- لرزش قفسه سینه، حرکت غیرعادی آرواره ها، سرگیجه، تهوع، استفراغ، سستی زانوها، سردرد، تزلزل در راه رفتن، کم شدن کار معده و متوقف شدن حرکت دودی روده ها.

اثر امواج فوق شنوایی

با پیشرفت صنایع جدید، بویژه «ساختن هواپیماهای سریع السیر امواج فوق شنوایی اهمیت زیادی پیدا کرده اند. این امواج که به خوبی می توانند باکتری ها و تک سلولی ها را کشته و حتی در ظرف چند دقیقه باعث مرگ قورباغه و ماهی شوند، وارد مایع سلولی انسان شده و ضایعاتی به بار می آورند.

زیانهای مالی ناشی از سروصدا

هر شیء طبیعی یا ساخته دست انسانی به صورت روزافزون با توسعه تکنولوژی که صدایکی از زه آوردهای آن است، آسیب پذیر است. به طور کلی بر اثر سروصدا زیانهای قابل توجهی بر اشیا وارد می شود که یکی از مهمترین آنها خسارتی است که به نواحی مسکونی و زمین هایی که دارای عوارض طبیعی خاص هستند، وارد می آید. آزمایشات نشان داده اند فرآورده های کشاورزی هم تحت تأثیر سروصدا قرار دارند مثلاً رشد تنباکو بر اثر سروصدا به مقدار قابل توجهی کاهش می یابد.

به طور خلاصه سروصدا ممکن است باعث شکسته شدن پنجره ها، ایجاد شکاف در ساختمانها، پایین آوردن ارزش زمین، کاهش محصول کشاورزی، آزردگی و مزاحمت در امر آسایش و تفریح انسان شود.

محترم فراهی